

مدل ساختاری انعطاف‌پذیری روانشناختی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری بهزیستی اجتماعی در زنان مطلقه

مهوش ایزدی^۱، نیلوفر طهمورسی^۲، مرجان حسین‌زاده تقوایی^۳، مجید صفاری‌نیا^۴ و ناصر صبحی قراملکی^۵

چکیده

مقدمه: هدف از این پژوهش تدوین مدل ساختاری انعطاف‌پذیری روانشناختی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری بهزیستی اجتماعی در زنان مطلقه بود.

روش: پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است و در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان مطلقه شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ است. بنابراین نمونه پژوهش ۳۵۰ ($n=350$) نفر برآورد شد. که با در نظر گرفتن احتمال افت و ماهیت پژوهش (ارائه مدل) ۲۰ درصد به این نمونه اضافه می‌شود و نمونه به ۴۲۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری هدفمند است بدین صورت که با مراجعه به مراکز ازدواج و طلاق چندگانه سطح شهر تهران نمونه انتخاب شد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد انعطاف‌پذیری شناختی دنا و ونادروال (۲۰۱۰)؛ بهزیستی اجتماعی کیز (۱۹۹۸)؛ ویژگی‌های شخصیتی فرم کوتاه (NEO-FFI) استفاده شد. جهت تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم افزار SPSS و نرم افزار Smart PLS استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین انعطاف‌پذیری روانشناختی با ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی اجتماعی در زنان مطلقه رابطه معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد انعطاف‌پذیری روانشناختی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی اجتماعی قابل پیش‌بینی است^[۱]. براساس نتایج روان‌آزردگی خوبی اثرمستقیم برابر ۰/۱۶۰- و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۷۰؛ برون‌گرایی اثرمستقیم برابر ۰/۱۴۶ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۱؛ گشودگی اثرمستقیم برابر ۰/۲۸۰ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۱؛ سازگاری اثرمستقیم برابر ۰/۱۲۷ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۳۲؛ وجدانی بودن اثرمستقیم برابر ۰/۳۰۱ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۸؛ و در نهایت بهزیستی اجتماعی اثرمستقیم برابر ۰/۳۱۰ با انعطاف‌پذیری روانشناختی دارد. لذا برازندگی مدل متوسط است.

نتیجه‌گیری: ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی اجتماعی توان پیش‌بینی انعطاف‌پذیری روانشناختی را داد.

کلیدواژه: انعطاف‌پذیری روانشناختی، ویژگی‌های شخصیتی، بهزیستی اجتماعی و زنان مطلقه

^۱- دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

^۲- استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳- استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران.

^۴- استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۵- دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

مطابق با آمار سازمان ثبت احوال کشور آمار طلاق از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۶ درصد افزایش یافته است. همچنین، براساس آمار سازمان ثبت احوال، تعداد ازدواج‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۹، حدود ۸ درصد کاهش یافته است در حالی که تعداد طلاق‌ها به حدود ۱۷۵ هزار مورد رسیده که بیشترین آمار ثبت شده در تاریخ ایران است. به این ترتیب نسبت طلاق به ازدواج‌های ثبت شده در یک سال به ۲۹ درصد رسیده است که بالاترین آمار در تاریخ ثبت احوال ایران از سال ۱۳۴۴ است (زارعان و سعدی‌پور^۱، ۱۴۰۰). پدیده طلاق، رویدادی پیچیده است که از جنبه‌های مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی به آن نگریسته می‌شود و وقوع آن برای افراد، به ویژه برای زنان که طلاق را به عنوان یک مشکل اساسی در روابط بعدی خود می‌بایند، بسیار دشوار می‌نماید (نگروسا و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

در سال‌های اخیر انعطاف‌پذیری روانشناختی به عنوان چهارچوبی برای درک آسیب‌شناسی-روانی و سلامت روان مطرح شده است و در پژوهش‌های متعددی، نقش این متغیر در کاهش اضطراب، افسردگی، استرس، مشکلات خواب و افزایش سلامت روان و کیفیت زندگی تأیید شده است (وودراف، گلر، آرنکوف، کراولی، هندمن، هیرشهون^۲، ۲۰۲۰؛ مارشال، براکمن^۳، ۲۰۱۶؛ برایان، ری سنرود، هرون^۴، ۲۰۱۵). همچنین تحقیقات قبلی نشان دادند که بین انعطاف‌پذیری شناختی^۵ با ویژگی‌های شخصیتی^۶ رابطه وجود دارد (بل، هیل و استاوینوس^۷، ۲۰۱۹). انعطاف‌پذیری روانشناختی توانایی تماس کامل با لحظه کنونی و واکنش‌های روانشناختی که باعث می‌شود فرد هشیار شود و رفتارهایش را یا تغییر دهد یا این که در جهت ارزش‌های انتخاب شده‌ی خویش تثبیت کند. نهایتاً پذیرش و تعهد انعطاف‌پذیری روانشناختی را افزایش می‌دهد و زبان و شناخت‌های مشکل‌زا را مورد بررسی قرار می‌دهد (تقی‌زاده و فرمانی^۸، ۱۳۹۳). توانایی تغییر آمایه-های شناختی به منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی، عنصر اصلی در تعاریف انعطاف‌پذیری شناختی است (دنيس^۸، ۲۰۱۰). افرادی که توانایی تفکر انعطاف‌پذیر دارند، از توجیهات جایگزین استفاده می‌کنند، به صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی می‌کنند و موقعیت‌های چالش‌انگیز یا رویدادهای استرس‌زا را می‌پذیرند و نسبت به افرادی که انعطاف‌پذیر نیستند از نظر روانشناختی سازگاری بیشتری دارند (فیلیپس^۹، ۲۰۱۸). نظریه

^۱- Negrusa et al

^۲- Woodruff , Glass , Aarnkoff , Crowley , Hindman , Hirschhorn

^۳- Marshall , Brockman

^۴- Bryan Hill &Stavrinos

^۵- Dennis, Ray -Sannerud , Heron

^۶- Cognitive flexibility

^۷- Personality traits

^۸- Bell, Hill & Stavrinos

^۹- Dennis

^۹- Phillips

انعطاف‌پذیری شناختی بر ماهیت یادگیری در حیطه‌های پیچیده و بدساختار تمرکز دارد. طبق این نظریه، یادگیرنده موفق (یعنی انعطاف‌پذیر شناختی) کسی است که می‌تواند در پاسخ به خواست‌های موقعیت‌های متنوع به راحتی دانش خود را مجدداً سازماندهی کرده و بکار گیرد. یادگیرندگان برای به دست آوردن این انعطاف‌پذیری شناختی باید پیچیدگی کامل مسائل را درک کنند و به دفعات فضای مساله را بررسی کنند تا ببینند چگونه تغییر در متغیرها و اهداف می‌تواند فضا را تغییر دهد (باجما، اوستر، مک گاورن^۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

متغیر ^(BA) که ممکن است در ایجاد مدل انعطاف‌پذیری روانشناختی نقش میانجی‌گری بین انعطاف‌پذیری روانشناختی و ویژگی‌های شخصیتی ایفاء نماید و زمینه انعطاف‌پذیری روانشناختی در زنان مطلقه را فراهم آورد بهزیستی اجتماعی است. بهزیستی اجتماعی بالا می‌تواند ملاک خوبی برای بهبود صمیمیت در خانواده و سازگاری اجتماعی و به تبع آن انعطاف‌پذیری شناختی در افراد باشد. در این بین وجود ویژگی‌های شخصیتی متفاوت در افراد نیز از طریق نقش میانجی که بهزیستی اجتماعی ایفاء می‌کند می‌تواند موثر باشد. با این وجود بهزیستی اجتماعی با روابط بین فرد با دیگران و جامعه ارتباط دارد (توکل، ۱۳۹۳). بهزیستی اجتماعی به معنای ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر است. پایین بودن میزان بهزیستی اجتماعی در افراد جامعه باعث می‌شود که نتوانند به نحو مناسب با دیگران ارتباط برقرار کنند و به همین خاطر دچار نوعی انزوای اجتماعی می‌شوند که این خود عاملی است برای کاهش مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، پذیرش اجتماعی و غیره. در این صورت امید افراد نسبت به آینده جامعه کم رنگ می‌شود و نقش خود را در پیشرفت جامعه ناچیز می‌پندارند و از این رو، احساس مسئولیت‌پذیری و کارآمدی اجتماعی خود را از دست می‌دهند (رضایی و نوغانی دخت بهمنی، ۱۳۹۶). این در صورتی است که پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که عواملی چند، روی بهزیستی اجتماعی تأثیرگذار هستند که برخی از آنها عبارت‌اند از: وضعیت اقتصادی-اجتماعی، سطح تحصیلات، سن، میزان دریافت حمایت‌های اجتماعی، وضعیت تأهل و همچنین رضایت از زندگی، شادکامی، تعهد مدنی و رفتار جامعه‌پسند (شاپیرو و کیز^۲، ۲۰۲۰).

به تازگی برخی از پژوهش‌ها نشان دادند که انعطاف‌پذیری روانشناختی نه تنها در سطح فردی از اهمیت برخوردار است بلکه بر روابط میان اعضای خانواده نیز اثر می‌گذارند (بوورک و مور^۳، ۲۰۲۳). در ارتباط با انعطاف‌پذیری روانشناختی و ارتباط آن با سایر متغیرها از جمله اضطراب فراگیر (تورج، ۱۴۰۰)؛ خوددلسوزی، حل مساله و خودمتمایزسازی (برادران و همکاران، ۱۳۹۶)؛ اجتناب‌شناختی (مردانی گرم دره و همکاران، ۱۳۹۹) مورد بررسی قرار گرفته است. در این ارتباط چله‌مال دزفولی‌نژاد، مومنی و مرادی (۱۴۰۰) در تحقیقی نشان دادند که

1- Bajema, Oster, McGovern

2- Shapiro & Keyes

3- Burke and Moore

شاخص‌های ذکر شده دارای مقدار قابل قبول می‌باشند. بنابراین در تغییر نگرش افراد مؤثر هستند. سپهوند و تورج (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان نقش انعطاف‌پذیری شناختی در اضطراب فراگیر افراد دارای روان‌رنجوری نتایج نشان دادند که مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری شناختی حدود ۱۸ درصد از واریانس اضطراب فراگیر افراد روان‌رنجور را پیش‌بینی کردند. فشنگچی و رنجبرنوشری (۱۳۹۹) در تحقیقی نشان داد که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و مؤلفه‌های عاطفه منفی و بازداری اجتماعی از تیپ شخصیتی D با تنیدگی شغلی در پرستاران رابطه مثبت و معنادار دارد. در حالی که، بین حمایت اجتماعی ادراک شده و تنیدگی شغلی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. احمدپور و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان تدوین و آزمون مدل بهزیستی روانشناختی افراد بر اساس مؤلفه‌های شخصیت با واسطه‌گری هویت قومی در تالش نشان دادند که مؤلفه‌های شخصیت بر روی بهزیستی روانشناختی در افراد اثرگذار هستند. البته با توجه به ضریب مسیر منفی روان‌رنجوری با بهزیستی روانشناختی، اثرگذاری این دو متغیر بر روی هم به صورت معکوس است. سراج‌خرمی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان انعطاف‌پذیری روانشناختی بر اساس تیپ‌های شخصیتی، صمیمیت خانواده، پایگاه اجتماعی و ارتباط آن با اجتماع نشان دادند که میان بهزیستی روانی و تیپ‌های شخصیت و ابعاد شخصی رابطه مستقیم وجود دارد. دیون، نگو، بلیز^۱ (۲۰۲۰) در تحقیقی نشان دادند که مدل انعطاف‌پذیری روان‌شناختی یک رویکرد امیدوارکننده و مبتنی بر شواهد در سلامت روان برای درمان اضطراب و افسردگی و همچنین برای شرایط پیچیده و مزمن است. تحقیقات بیشتری برای اعتبار بخشیدن به مدل نظری آن و اصلاح بیشتر درک ما از اینکه چگونه مدل انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌تواند برای مدیریت بیماری سلامت‌روان موثر باشد و چگونه می‌تواند کیفیت زندگی را برای افرادی که از این شرایط رنج می‌برند بهبود بخشد، مورد نیاز است. بنابراین تدوین مدل می‌تواند بسیاری از مشکلات روانی را کاهش دهد. مالکوک^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان نقش شخصیت به عنوان عامل تولیدکننده‌ی بهزیستی روان‌شناختی نشان داد که نقش شخصیت را به عنوان اولین عامل تولیدکننده‌ی بهزیستی روان‌شناختی بررسی کرده‌اند و معتقدند شخصیت از مهمترین عوامل درون فردی تأثیرگذار بر بهزیستی روان‌شناختی است.^[۹]

برخلاف کشورهای غربی که در بیشتر مواقع طلاق با توافق طرفین و در فضایی مسالمت‌آمیز اتفاق می‌افتد، در ایران با ایجاد تنش در خانواده‌ها به وقوع می‌پیوندد که مشکلات متعدد رفتاری و روانی را برای زنان مطلقه به وجود می‌آورد که چگونگی مدیریت این عوارض و مشکلات و نحوه مقابله و تاب‌آوری در برابر آنها و طراحی و تدوین مدل‌های مناسب برای کاهش این مشکلات حاکی از خلاء تحقیقات در این حوزه است.^[۱۰] بنابراین این پژوهش در صدد تدوین مدل ساختاری انعطاف‌پذیری روانشناختی براساس ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری بهزیستی اجتماعی در زنان مطلقه می‌باشد.

^۱- Dionne, Ngô and Blais

^۲- Malkoc

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی است و در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان مطلقه شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲^{۱۱} خواهد بود. بر اساس نظر هیت و کرامر^۱ (۲۰۰۴) به ازای هر متغیر پیش‌بین حداقل ۲۰-۴۰ نفر برای نمونه کافی است (پاشاشریفی و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین نمونه پژوهش ۳۵۰ نفر برآورد شد. که با در نظر گرفتن احتمال افت و ماهیت پژوهش (ارائه مدل) ۲۰ درصد به این نمونه اضافه می‌شود و نمونه به ۴۲۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری هدفمند است بدین صورت که با مراجعه به مراکز ازدواج و طلاق چندگانه سطح شهر تهران نمونه انتخاب شد. رضایت آگاهانه برای پاسخگویی، عدم وجود مشکلات روان‌شناختی، داشتن مدرک تحصیلی دیپلم به بالا به عنوان ملاک ورود^{۱۲} به پژوهش بود و نقص در پر کردن پاسخنامه، عدم تمایل به مشارکت در تحقیق و نداشتن مدرک پی‌دک و بالاتر، نداشتن سلامت روان‌شناختی از ملاکهای خروج از پژوهش بود بر این اساس تعداد ۴۰۹ پرسشنامه قابل تحلیل بودند. پس از دادن آگاهی در مورد هدف پژوهش، نحوه اجرا، اصل رازداری، حق انتخاب برای همکاری و حق انصراف در حین پاسخ به سوالات، پرسشنامه‌ها بر روی آزمون شوندگان اجرا شد. همچنین توضیح هدف پژوهش، دادن اطمینان از اینکه پاسخنامه آنها به صورت گروهی تحلیل می‌شود از اصول اخلاقی رعایت شده در این پژوهش بود. در سطح توصیفی جهت سنجش متغیرهای پژوهش از میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در سطح استنباطی جهت بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. نرم افزار تحلیل داده‌ها برنامه SPSS و نرم افزار Smart Pls بود.

ابزارهای پژوهش

الف) انعطاف‌پذیری شناختی دنا و ونادروال (۲۰۱۰): پرسشنامه استاندارد انعطاف‌پذیری شناختی که توسط دنا و ونادروال در سال ۲۰۱۰ ساخته شده است. این پرسشنامه مشتمل بر ۲۰ سوال می‌باشد. این پرسشنامه برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در کار بالینی و غیربالینی و برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف‌پذیر به کار می‌رود. در ایران و در پژوهش شاره و همکاران (۱۳۹۵) سه زیر مقیاس برای این پرسشنامه بدست آمده است که عبارتند از جایگزین‌ها، کنترل، و جایگزین‌هایی برای رفتارهای انسانی است. روش نمره‌گذاری: این پرسشنامه دارای مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، ۱؛ مخالفم، ۲؛ نظری ندارم، ۳؛ موافقم، ۴؛ کاملاً موافقم، ۵) است که حداقل نمره ۲۰ و حداکثر ۱۰۰ و نقطه برش آن برابر ۶۰ می‌باشد و سوالات ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۱، ۱۷، به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود. دنیس و واندروال (۲۰۱۰) اعتبار همزمان این پرسشنامه را با پرسشنامه افسردگی بک

1. Hit and Kramer

(BDI-II) برابر ۰/۳۹- و روایی همگرایی آن را با مقیاس انعطاف پذیری شناختی مارتین و رایین ۰/۷۵ بدست آوردند. در داخل کشور کهندانی و همکاران (۱۳۹۶) ضریب بازآزمایی کل مقیاس را ۰/۷۱ و ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۰ گزارش نمودند.

ب) بهزیستی اجتماعی کیز (۱۹۹۸): برای این قسمت از پرسشنامه بهزیستی اجتماعی کیز (۱۹۹۸) استفاده خواهد شد. این پرسشنامه دارای ۳۳ سوال بوده و هدف آن سنجش میزان بهزیستی اجتماعی (همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و پذیرش اجتماعی) می باشد. پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً مخالفم، ۱؛ مخالفم، ۲؛ نظری ندارم، ۳؛ موافقم، ۴؛ کاملاً موافقم، ۵) می باشد که حداقل نمره ۳۳ و حداکثر ۱۶۵ و نقطه برش آن برابر ۹۹ می باشد. کیز (۱۹۹۸) طی دو مطالعه بر روی دو نمونه ۳۷۳ و ۲۸۸۷ نفری در آمریکا با استفاده از تحلیل عوامل، مدل ۵ بعدی به کار رفته در پرسشنامه خود را از نظر تجربی مورد تایید قرار داده است. او جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرد که میزان ضرایب آلفای کرونباخ در مطالعه اول برای ابعاد انسجام اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و پذیرش اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۵۷، ۰/۶۹، ۰/۸۱، ۰/۷۵، ۰/۷۷ و در مطالعه دوم به ترتیب برابر با ۰/۶۴، ۰/۶۴، ۰/۷۳، ۰/۶۶، ۰/۴۱، به دست آمده که ضرایب قابل قبولی است. و حیدری و غنایی (۱۳۸۷) در ایران پرسشنامه بهزیستی اجتماعی را بر روی ۶۳۲ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای استان مرکزی هنجاریابی کردند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داده که اعتبار پرسشنامه با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ است.

د- ویژگی های شخصیتی فرم کوتاه (NEO-FFI): جهت بررسی این متغیر از پرسشنامه سنجش صفات پنج گانه شخصیتی فرم کوتاه (NEO-FFI) استفاده می شود که یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می رود. این تست قابل اجرا بر روی افراد به هنجار است. در حال حاضر آزمون ۵ عاملی NEO کاربردی جهانی دارد و به منظور تحقیق به زبان های چکوسلواکی، عربی، هلندی، فرانسوی، آلمانی، ژاپنی، نروژی، لهستانی و سوئدی ترجمه شده است. روش نمره گذاری: در این پرسشنامه انتظار بر این است که به تمام سؤالات پاسخ داده شود، در بررسی پاسخنامه اگر سؤال یا سؤالاتی بی پاسخ مشاهده شود آزمودنی تشویق می شود که سؤالات مذکور را تکمیل نماید. در مواردی که آزمودنی نتواند تصمیم بگیرد که چه پاسخی به سؤال خاصی بدهد یا معنی یک سوال برای وی مشخص نباشد می تواند در چنین مواردی از پاسخ خنثی استفاده کند. در آخر پاسخنامه سؤالی تحت عنوان «آیا به تمام سؤالات پاسخ داده اید؟» آمده است، منظور از پرسش این سؤال آن است که این امر مهم را به آزمودنی یادآور نماید که سؤالات بدون پاسخ را تکمیل نماید و کنترل مجددی بر پرسشنامه داشته باشد. اگر آزمودنی پاسخ «نه» به این سؤال بدهد آزمایشگر ممکن است در صدد علت این امر بر آید و در مورد سؤالات بی پاسخ آموزش هایی را به آزمودنی بدهد. اگر در پاسخ نامه سؤالات زیادی بدون پاسخ باشد

آن پاسخنانه از اعتبار لازم برخوردار نبوده و در نتیجه تصحیح نمی شود. پاسخنانه این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. نمره گذاری فرم کوتاه این پرسشنامه یعنی NEO-FFI در تمام مواد یکسان نیست. به این معنی که در نمره گذاری برخی از مواد فرم کوتاه پرسشنامه، به کاملاً مخالفم نمره ۴، مخالفم نمره ۳، بی تفاوت نمره ۲، موافقم نمره ۱ و کاملاً موافقم نمره ۰ تعلق می گیرد. حداقل نمره صفر و حداکثر ۲۴۰ و نقطه برش آن برابر ۱۲۰ می باشد. ضریب اعتبار دو عامل سازگاری و باوجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است (گروسی فرشی و همکاران، ۱۳۸۰). در هنجاریابی آزمون NEO که توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) روی نمونه ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه های تبریز، شیراز و دانشگاه های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان آزردهی خویی، برون گرایی، باز بودن، سازگاری و باوجدانی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (S) و فرم ارزیابی مشاهده گر (R)، استفاده شد، که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل سازگاری بود (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). در پژوهش آتش روز (۱۳۸۶) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ۵ صفت: روان آزردهی خویی، برون گرایی، گشودگی، سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۲۷، ۰/۳۸ و ۰/۷۷ به دست آمد. پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI توسط مک کری و کاستا^۱ روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس های روان آزردهی خویی، برون گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش های شخصی و نیز در گزارش های زوج ها نشان داده است.

یافته ها

بر اساس نتایج ۴۸ نفر (۱۲ درصد) زیر ۲۰ سال، ۲۳۱ نفر (۵۶ درصد) بین ۲۰ الی ۳۰ سال، ۸۹ نفر (۲۲ درصد) ۳۱ الی ۴۰ سال و ۴۱ نفر (۱۰ درصد) ۴۰ سال و بالاتر بودند. براساس نتایج بیشترین دامنه سنی مشارکت کننده بین ۲۰ الی ۳۰ سال و کمترین ۴۰ سال و بالاتر می باشند.

1- McCarey and Costa

جدول ۱: آمار توصیفی متغیر و مولفه‌های به تفکیک

متغیر	مولفه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
ویژگی‌های شخصیتی	انعطاف‌پذیری روانشناختی	۴۰۹	۷۷/۸۱	۱۶/۱۰	۲۵۹/۵۰
	روان‌آزردگی خویی	۴۰۹	۳۰/۷۵	۶/۸۷	۴۷/۲۸
	برون‌گرایی	۴۰۹	۳۰/۹۸	۷/۱۹	۵۱/۷۷
	گشودگی	۴۰۹	۳۰/۵۶	۸/۷۴	۷۶/۴۹
	سازگاری	۴۰۹	۲۷/۹۸	۶/۹۰	۴۷/۷۲
	وجدانی بودن	۴۰۹	۲۹/۲۳	۷/۲۴	۵۲/۵۵
بهبودی اجتماعی	کل	۴۰۹	۱۵۱/۸۹	۳۲/۴۵	۱۰۵۳/۳۳
	همبستگی اجتماعی	۴۰۹	۲۴/۵۳	۵/۲۶	۲/۶۷
	انسجام اجتماعی	۴۰۹	۲۲/۰۸	۴/۸۱	۲۳/۲۰۸
	مشارکت اجتماعی	۴۰۹	۲۰/۸۳	۴/۹۵	۲۴/۵۴
	پذیرش اجتماعی	۴۰۹	۲۴/۷۴	۵/۵۶	۳۰/۹۵
	شکوفایی اجتماعی	۴۰۹	۲۵	۵/۶۰	۳۱/۴۱
	کل	۴۰۹	۱۱۷/۴۹	۲۳/۱۱	۵۳۴/۱۱

جدول شماره ۱ آمار توصیفی متغیرها و مولفه‌ها را به تفکیک نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل از جدول ویژگی‌های شخصیتی بیشترین میانگین (۱۵۱/۸۹) را دارد سایر میانگین‌ها به تفکیک در جدول آمده است.

جدول ۲: آزمون کلموگروف-اسمیرنف برای فرض نرمال بودن جامعه

میانگین پارامترها	انحراف استاندارد پارامترها	مثبت	منفی	Kolmogorov-Smirnov Z	سطح معنی-داری
۷۷/۸۱	۱۶/۱۰	۰/۰۸۴	-۱/۶۱	۰/۱۶۱	۱/۲۸۵
۱۵۱/۸۹	۳۲/۴۵	۰/۰۳۷	-۰/۶۷	۰/۰۶۷	۰/۱۳۷
۱۱۷/۴۹	۲۳/۱۱	۰/۰۷۶	-۰/۶۳	۰/۰۷۶	۰/۰۸۰

در آزمون نرمال بودن داده‌ها فرض صفر چنین است که توزیع داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت می‌کند و فرض مقابل بر خلاف این امر دلالت دارد. همان‌طور که در جدول شماره فوق مشاهده می‌گردد. آماره Z کولموگروف-اسمیرنف برای همگی در سطح ($P \geq 0/05$) معنی‌دار نمی‌باشند. از این رو می‌توان گفت که توزیع داده‌های بدست آمده از پرسشنامه در بین نمونه با توزیع آن در جامعه نرمال است.

با توجه به فرضیه و وجود متغیر میانجی و وجود اثر غیرمستقیم از مدل معالات ساختاری استفاده می‌شود لذا ابتدا ماتریس همبستگی، سپس رگرسیون و در نهایت مدل ارائه می‌شود که نتایج در جداول زیر به تفکیک آمده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی متغیرها

عامل	انعطاف‌پذیری روانشناختی	بهبودی اجتماعی	روان‌آزردگی خویی	برون‌گرایی	گشودگی	سازگاری	وجدانی بودن
انعطاف‌پذیری روانشناختی	۱						
بهبودی اجتماعی	۰/۳۱۸**	۱					
روان‌آزردگی خویی	۰/۳۳۴**	۰/۱۴۸**	۱				
برون‌گرایی	۰/۳۳۷**	۰/۱۲۶**	۰/۷۹۶**	۱			
گشودگی	۰/۲۳۴**	۰/۱۷۶**	۰/۵۸۷**	۰/۶۵۸**	۱		
سازگاری	۰/۳۲۲**	۰/۱۵۵**	۰/۷۳۳**	۰/۷۵۴**	۰/۶۳۵**	۱	
وجدانی بودن	۰/۲۴۵**	۰/۱۶۸**	۰/۷۱۱**	۰/۶۵۵**	۰/۴۹۳**	۰/۷۳۷**	۱

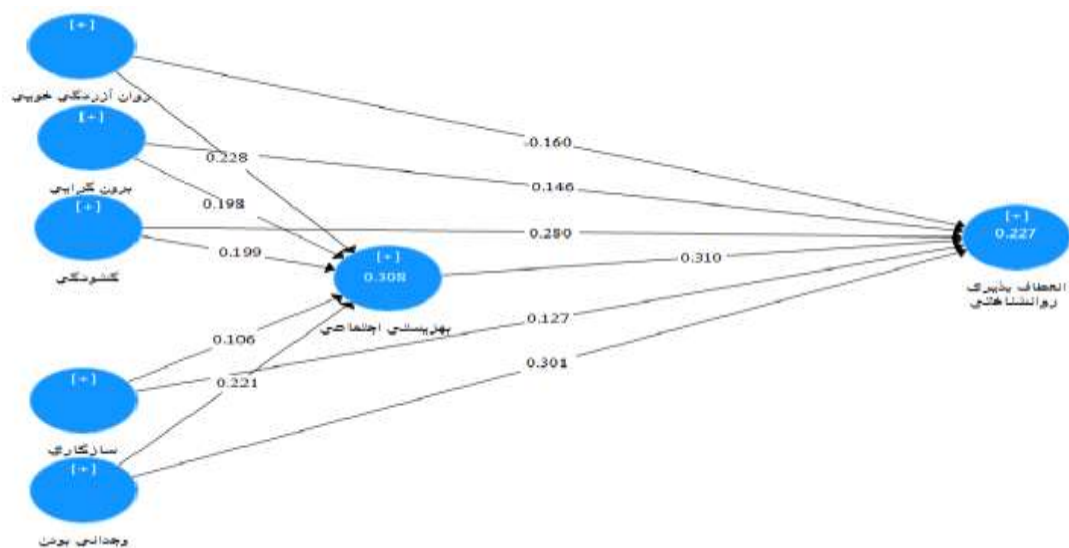
(** یعنی $P \leq 0/01$) و (* یعنی $P \leq 0/05$)

جدول شماره ۳ ماتریس همبستگی متغیرها را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن دارد که بین انعطاف‌پذیری روانشناختی با روان‌آزردگی خویی رابطه منفی و معنادار (۰/۳۳۴***) و انعطاف‌پذیری روانشناختی با سایر متغیرهای رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

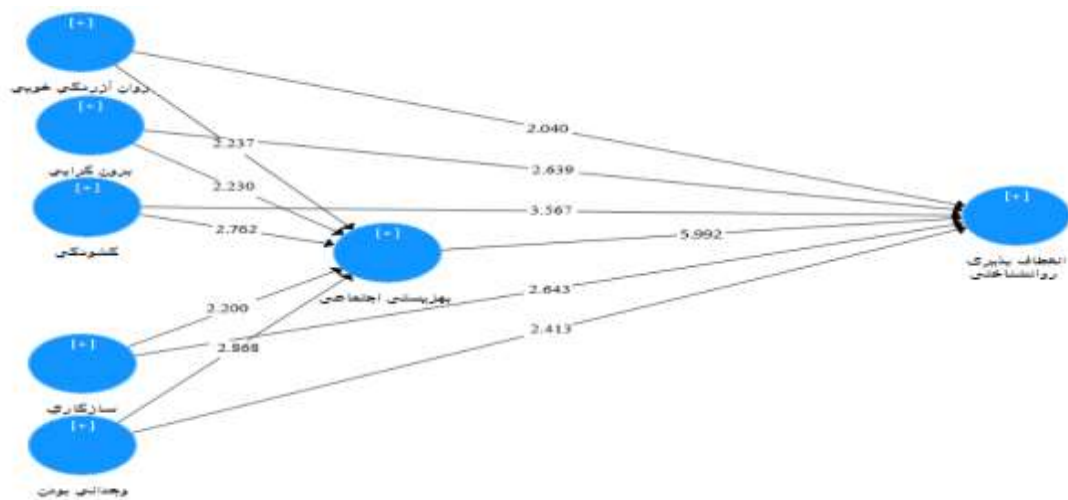
جدول ۴: رگرسیون چندمتغیره پیش‌بینی انعطاف‌پذیری روانشناختی براساس ویژگی‌های شخصیتی و بهبود اجتماعی

مدل	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده		مقدار	معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta	t		
مدل	۲۶/۷۸۷	۴/۹۳۵	-	۵/۴۲۸	۰/۰۰۰	
بهبودی اجتماعی	۰/۲۱۶	۰/۰۳۱	۰/۳۱۰	۶/۹۷۶	۰/۰۰۰	
روان‌آزردگی خویی	-۰/۳۷۳	۰/۱۸۹	-۰/۱۶۰	-۳/۹۷۷	۰/۰۰۰	
برون‌گرایی	۰/۳۲۶	۰/۱۸۶	۰/۱۴۶	۳/۷۵۴	۰/۰۰۰	
گشودگی	۰/۱۶۳	۰/۱۱۳	۰/۱۳۴	۴/۷۷۶	۰/۰۰۰	
سازگاری	۰/۲۹۶	۰/۱۸۷	۰/۱۲۴	۵/۲۱۱	۰/۰۰۰	
با وجدانی بودن	۰/۲۱۱	۰/۱۵۶	۰/۱۰۹	۳/۳۳۳	۰/۰۰۰	

جدول شماره ۴ رگرسیون چندمتغیره پیش‌بینی انعطاف‌پذیری روانشناختی براساس ویژگی‌های شخصیتی و بهبود اجتماعی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج همه متغیرها در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. مقدار بتا حاکی از آن دارد که بهبود اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۱۰ بیشترین و با وجدانی بودن با بتای ۰/۱۰۹ کمترین میزان پیش‌بینی را نشان می‌دهند.



نمودار ۱: تحلیل عاملی بین متغیرها



نمودار ۲: نمرات استاندارد شده

جدول ۵: نتایج حاصل از مدل برازش شده

فرضیه	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	VIF	آماره t	ضریب تعیین R ²	sig	نتیجه
روان آزرده‌گی خویی - انعطاف‌پذیری روانشناختی	-۰/۱۶۰	۰/۰۷۰	۰/۴۳۱	۲/۰۴۰	۰/۲۲۷	۰/۰۰۰	تایید شد
برون‌گرایی - انعطاف‌پذیری روانشناختی	۰/۱۴۶	۰/۰۶۱	۰/۵۹۶	۲/۶۳۹		۰/۰۰۰	تایید شد
گشودگی - انعطاف‌پذیری روانشناختی	۰/۲۸۰	۰/۰۶۱	۰/۶۴۴	۳/۵۶۹		۰/۰۰۰	تایید شد
سازگاری - انعطاف‌پذیری روانشناختی	۰/۱۲۷	۰/۰۳۲	۰/۵۸۰	۲/۶۴۳		۰/۰۰۰	تایید شد
وجدانی بودن - انعطاف‌پذیری روانشناختی	۰/۳۰۱	۰/۰۶۸	۰/۶۸۹	۲/۴۱۳		۰/۰۰۰	تایید شد
بهریستی اجتماعی - انعطاف‌پذیری روانشناختی	۰/۳۱۰	-	-	۵/۹۹۲	۰/۳۰۸	۰/۰۰۰	تایید شد

جدول ۵ نتایج حاصل از مدل برازش شده را نشان می‌دهد. براساس نتایج روان‌آزرده‌گی خویی اثر مستقیم برابر ۰/۱۶۰- و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۷۰؛ برون‌گرایی اثر مستقیم برابر ۰/۱۴۶ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۱؛ گشودگی اثر مستقیم برابر ۰/۲۸۰ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۱؛ سازگاری اثر مستقیم برابر ۰/۱۲۷ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۳۲؛ وجدانی بودن اثر مستقیم برابر ۰/۳۰۱ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۸؛ و در نهایت بهزیستی اجتماعی اثر مستقیم برابر ۰/۳۱۰ با انعطاف‌پذیری روانشناختی دارد. با توجه به مقدار R^2 محاسبه شده میزان قدرت برازش در حد متوسط می‌باشد. این در حالی است که مقدار آماره t برای همه ارتباط‌ها بیشتر از ۱/۹۶ است که این امر نیز نشان از تایید روابط بین متغیرهای مدل را دارد. برای بررسی معناداری اثر غیرمستقیم از شاخص VIF استفاده شده است که نتایج نشان از آن است که بهزیستی اجتماعی توانسته نقش میانجی‌گری در ارتباط اساس ویژگی‌های شخصیتی با انعطاف‌پذیری روانشناختی ایفاء نماید.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش مدل ساختاری انعطاف‌پذیری روانشناختی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری بهزیستی اجتماعی در زنان مطلقه است. بر این اساس نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین انعطاف‌پذیری روانشناختی با ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی اجتماعی در زنان مطلقه رابطه معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد انعطاف‌پذیری روانشناختی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی اجتماعی قابل پیش‌بینی است. نتایج حاصل از مدل برازش نیز نشان داد که بهزیستی اجتماعی توانسته نقش میانجی‌گری در این ارتباط ایفاء نماید. براساس نتایج روان‌آزرده‌گی خویی اثر مستقیم برابر ۰/۱۶۰- و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۷۰؛ برون‌گرایی اثر مستقیم برابر ۰/۱۴۶ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۱؛ گشودگی اثر مستقیم برابر ۰/۲۸۰ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۱؛ سازگاری اثر مستقیم برابر ۰/۱۲۷ و اثر غیرمستقیم برابر ۰/۰۳۲؛ وجدانی بودن اثر مستقیم برابر ۰/۳۰۱ و اثر

غیرمستقیم برابر ۰/۰۶۸؛ و در نهایت بهزیستی اجتماعی اثرمستقیم برابر ۰/۳۱۰ با انعطاف‌پذیری روانشناختی دارد. لذا برازندگی ساختاری مدل متوسط است.

بر این اساس نتایج حاصل از این پژوهش با تورج (۱۴۰۰)؛ برادران و همکاران (۱۳۹۶)؛ مردانی‌گرم دره و همکاران (۱۳۹۹)؛ چله‌مال دزفولی‌نژاد، مومنی و مرادی (۱۴۰۰)؛ سپهوند و تورج (۱۴۰۰)؛ فشنگچی و رنجبرنوشری (۱۳۹۹)؛ احمدپور و همکاران (۱۳۹۷)؛ سراج‌خرمی و همکاران (۱۳۹۵)؛ دیون، نگو، بلیز (۲۰۲۰) و مالکوک (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. در این ارتباط سراج‌خرمی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی نشان دادند که میان بهزیستی روانی و تیپ‌های شخصیت و ابعاد شخصی رابطه مستقیم وجود دارد. سپهوند و تورج (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان نقش انعطاف‌پذیری شناختی در اضطراب فراگیر افراد دارای روان رنجوری نتایج نشان دادند که مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری شناختی حدود ۱۸ درصد از واریانس اضطراب فراگیر افراد روان‌رنجور را پیش‌بینی کردند. فشنگچی و رنجبرنوشری (۱۳۹۹) در تحقیقی نشان داد که انعطاف‌ناپذیری روان شناختی و مؤلفه‌های عاطفه منفی و بازداری اجتماعی از تیپ شخصیتی D با تنیدگی شغلی در پرستاران رابطه مثبت و معنادار دارد. دیون، نگو، بلیز (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان مدل انعطاف‌پذیری روان‌شناختی: رویکردی جدید به سلامت روان نشان دادند که مدل انعطاف‌پذیری روان‌شناختی یک رویکرد امیدوارکننده و مبتنی بر شواهد در سلامت روان برای درمان اضطراب و افسردگی و همچنین برای شرایط پیچیده و مزمن است. مالکوک (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان نقش شخصیت به عنوان عامل تولیدکننده‌ی بهزیستی روان شناختی نشان داد که نقش شخصیت را به عنوان اولین عامل تولیدکننده‌ی بهزیستی روان شناختی بررسی کرده‌اند و معتقدند شخصیت از مهمترین عوامل درون فردی تأثیرگذار بر بهزیستی روان شناختی است.

عدم انعطاف‌روانشناختی با اضطراب، افسردگی، عملکرد ضعیف کار، ناتوانی در یادگیری، سوء مصرف مواد، ترس، رفتار ضد اجتماعی، با کیفیت پایین از زندگی، اضطراب اجتماعی، رفتار پرخطر جنسی، سرکوب، همراه با اختلالات‌های مختلف مرزی شخصیت همراه است (هیز و همکاران، ۲۰۱۶). به تازگی نیز برخی از پژوهش‌ها نشان دادند که انعطاف‌پذیری روانشناختی نه تنها در سطح فردی از اهمیت برخوردار است بلکه بر روابط میان اعضای خانواده نیز اثر می‌گذارد (بوورک و مور^۲، ۲۰۲۱). انعطاف‌پذیری شناختی در حوزه‌های بی‌ساختار و پیچیده اهمیت زیادی دارد (بورتون^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). افراد دارای انعطاف‌پذیری روانشناختی بالا رفتارشان را در هر موقعیت، بیشتر بر اساس ارزش‌ها و اهداف‌شان و کمتر بر اساس رویدادهای درونی یا وابستگی‌های موقعیت فعلی‌شان نشان می‌دهند (بوند^۴ و همکاران، ۲۰۲۲؛ کاتز، زیج، و اورسیلو^۱، ۲۰۱۹). انعطاف‌پذیری روانشناختی

^۱- Dionne, Ngô and Blais

^۲- Burke and Moore

^۳- Burton

^۴- Bond

بالا تر به نیرومندی من بیشتری می‌انجامد. نیرومندی من نیز یک عنصر مهم در رشد و پختگی شخصیت برای برقراری روابط صمیمی شناخته می‌شود. در رابطه با نظریه اریکسون، داشتن یک شخصیت رشد یافته برای برقراری روابط صمیمانه به حل بحران‌های مراحل گوناگون زندگی و اکتساب نیرومندی من وابسته است. بر اساس نظریه رشد روانی اریکسون، موفقیت در هر مرحله از زندگی به موفقیت در حل بحران مراحل پیشین زندگی نیازمند است؛ آنهایی که نیرومندی من بیشتری دارند، توانایی بهتری برای مقابله با تعارض‌ها دارند و در نتیجه از رضایت زندگی بیشتری برخوردارند. افزون بر این افراد با استحکام من بالاتر روابط صمیمی بیشتری با افراد خانواده خود دارند، در رابطه خود با خانواده شان متعهدترند و مسئولیت بیشتری در قبال خانواده احساس می‌کنند. آنها همچنین در به اشتراک گذاشتن عقایدشان با دیگران موفق‌ترند. فهم و درک طرف مقابل و ابراز عواطف از ویژگی‌های دیگر این افراد است (کچویی، فتحی و آشتیانی، ۱۳۹۲).

از آنجایی که هر پژوهش محدودیت‌هایی دارد، پژوهش حاضر نیز از آن مستثناء نبوده است؛ در نتیجه در تعمیم نتایج پژوهش باید جانب احتیاط را رعایت کرد؛ چراکه نتایج تحقیق از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر با توجه به ویژگی‌های خاص هر جامعه متفاوت می‌شود. پیشنهاد می‌شود این پژوهش با حجم نمونه بزرگ‌تر و محدوده جغرافیایی گسترده‌تر انجام گیرد تا ادبیات وسیع‌تر و منسجم‌تری در خصوص نحوه به کارگیری متغیرهای ذکر شده فراهم آید. از محدودیتهای دیگر این طرح می‌توان به ویژگی‌های فردی، خصوصیات روحی و روانی، تفاوت‌های زندگی، فرهنگی و اجتماعی نمونه‌های مورد پژوهش که بر پاسخگویی به پرسشها بر نتایج پژوهش تأثیرگذار بود، اشاره کرد که کنترل این عوامل از عهده پژوهشگر خارج بود. از یافته‌های این پژوهش می‌توان در مشاوره‌های خانواده و مشاوره‌های فردی برای زنان مطلقه استفاده کرد. همچنین کارگاه‌های آموزشی در مراکز مشاوره به منظور بالا بردن انعطاف پذیری روان شناختی و تقویت نیرومندی من برای زنان مطلقه برگزار نمود. همچنین در کشورهای غربی که در بیشتر مواقع طلاق با توافق طرفین و در فضایی مسالمت آمیز اتفاق می‌افتد، در ایران با ایجاد تنش در خانواده‌ها به وقوع می‌پیوندد که مشکلات متعدد رفتاری و روانی را برای زنان مطلقه به وجود می‌آورد که چگونگی مدیریت این عوارض و مشکلات و نحوه مقابله و تاب‌آوری در برابر آنها و طراحی و تدوین مدل‌های مناسب برای کاهش این مشکلات لازم و ضروری است. که پیشنهاد می‌گردد از نتایج این پژوهش در کمک به بهبود و کاهش مشکلات بعد از طلاق بهره گرفته شود.

¹ . Katz & Czech & Orsillo

- چله‌مال دزفولی نژاد، ا؛ مومنی، ف؛ پدرام، م. م.، و مرادی، ع. (۱۴۰۰). کاربرد مدل معادلات ساختاری در تبیین نقش انعطاف‌پذیری شناختی، خودنظم‌جویی هیجان، تفکر فعال روشنفکرانه و غیرنگرش افراد در شبکه‌های اجتماعی. *ماهنامه علوم روانشناختی*، ۲۰(۱۰۶)؛ ۱۸۵۳.
- احمدپور، م؛ برجعلی، ا؛ اسکندری، ح و فرخی، ن. (۱۳۹۷). تدوین و آزمون مدل بهزیستی روانشناختی افراد بر اساس مؤلفه‌های شخصیت با واسطه‌گری هویت قومی در تالش. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۶، ۱(۳۰)؛ ۱۱۸-۱۰۵.
- آتش‌روز، ب. (۱۳۸۶). پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق دلبستگی و صفات پنج‌گانه شخصیتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- برادران، م؛ رنجبرنوشری، ف؛ خاصه، ع. ا؛ و رهنمای، م. (۱۳۹۶). همبسته‌های انعطاف‌پذیری روان شناختی: خود-دلسوزی، حل مساله و خود متمایزسازی. *کنگره انجمن روانشناسی ایران*.
- پاشاشریفی، ح.، و دیگران. (۱۴۰۰). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در روانشناسی و مشاوره*. تهران؛ نشر سخن.
- تقی‌زاده، م. ا، و فرمانی، ا. (۱۳۹۳). بررسی نقش انعطاف‌پذیری شناختی در پیش‌بینی نومیدی و تاب‌آوری در دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی شناختی*، ۱(۲)؛ ۷۶-۶۷.
- توکل، م. (۱۳۹۳). سلامت اجتماعی: ابعاد، محورها و شاخص‌ها در مطالعات، *فصلنامه اخلاق زیستی*، ۴(۱۴)؛ ۲.
- حیدری، غ.، و غنایی، ز. (۱۳۸۷). هنجاریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی. *اندیشه و رفتار*. ۱(۷)؛ ۳۱-۴۰.
- رضایی، ام.، و نوغانی‌دخت بهمنی، م. (۱۳۹۶). بهزیستی اجتماعی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۴، ۲(۳۰)؛ ۵۶-۳۱.
- زارعان، م.، و سادات سدیدپور، س. (۱۴۰۰). فراتحلیلی از تحقیقات مرتبط با طلاق: عوامل فردی در مقابل اجتماعی. *مجله مشکلات ایران*، ۷(۲)؛ ۱۹۱-۲۱۸.
- سپهوند، ت. (۱۴۰۰). نقش انعطاف‌پذیری شناختی در اضطراب فراگیر افراد دارای روان رنجوری. *روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۸(۳)، ۸۹-۱۰۰.
- سراج‌خرمی، ن؛ امیرشکاری، س.، و حیدری محل، ف. (۱۳۹۵). انعطاف‌پذیری روانشناختی براساس تیپ‌های شخصیتی، صمیمیت خانواده، پایگاه اجتماعی و ارتباط آن با اجتماع. *کنفرانس بین‌المللی دانشگاه شیراز*، شماره ۱۶.
- شاره، ح.، و همکاران (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط بین سب‌کهای مقابله‌ای و تاب‌آوری با افسردگی. *پژوهنده (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)*، ۲۱، ۲(۹۲)؛ ۹۶-۸۸.

فشنگچی، پ.، و رنجبرنوشری، ف. (۱۳۹۹). رابطه‌ی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، تیپ شخصیتی D و حمایت اجتماعی ادراک شده با تنیدگی شغلی در پرستاران. *روان‌پرستاری*، ۸(۱)، ۳۹-۴۸.

کهندانی، م.، و ابوالمعالی‌الحسینی، خ. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی دنیس، وندروال و جیلون. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۸، ۲۹(۱۹)؛ ۵۳-۷۰.

کجویی، م.، و فتحی‌آشتیانی، ع. (۱۳۹۲). نقش رضایت شغلی و نیرومندی‌های من. *مجله طب نظامی*، ۱۵(۱)؛ ۱۷-۲۴.

گروسی‌فرشی، م؛ مانی، آ؛ و بخشی‌رودسری، ع. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و احساس شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۶(۱)؛ ۱۴۳-۱۵۸.

مردانی‌گرم‌دره، م؛ غضنفری، ا؛ احمدی، ر.، و شریفی، ط. (۱۳۹۹). اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیک بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و اجتناب‌شناختی دانش‌آموزان دختر دارای اضطراب امتحان. *نشریه توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۱۱(۲)؛ ۶۳-۷۴.

- Bajema KL, Oster AM, McGovern OL, Lindstrom S, Stenger MR, Anderson TC, Biggs HM.(2020).Persons evaluated for 2019 novel coronavirus—United States. *Morbidity and Mortality Weekly Report*, 69(6); 166.
- Bell, T., Hill, N., &Stavrinos, D. (2019). *Personality determinants of subjective executive function in older adults*. *Aging & Mental health*, 1-10.
- Bond, F. W. & S. C. Hayes & R. A. Baer & K. M. Carpenter & N. Guenole & H. K. Orcutt & R. D. Zettle. (2022). Preliminary Psychometric Properties of the Acceptance and Action Questionnaire–II: A Revised Measure of Psychological Inflexibility and Experiential Avoidance"; *Behavior Therapy*, 42(4), 676-688.
- Bryan CJ, Ray -Sannerud B, Heron EA. (2015). Psychological flexibility as a dimension of resilience for posttraumatic stress, depression, and risk for suicidal ideation among air force personnel. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 4(4):263 -68.
- Burke K, Moore S. (2021). Development of the parental psychological flexibility questionnaire. *Child Psychiatry & Human Development*; 46 (4):548-57.
- Burton, N W, Pakenham, KI, Brown, WJ. (2016). feasibility and effectiveness of psychosocial resilience training: A pilot study of the READY program. *Psychol Health Med*; 15(3):266-77 .
- Dennis, J.P. (2020). *The cognitive flexibility inventory: instrument development and estimates of reliability and validity*. Cognitive therapy Research.
- Dionne, F. Ngô, T, L. Blais, M, C. (2020). The psychological flexibility model: a new approach to mental health. *Sante Ment Que*, 38(2):111-30.

- Hayes, S. C., Luoma, J. B., Bond, F. W., Masuda, A., & Lillis, J. (2016). Acceptance and Commitment Therapy: Model, processes and outcome. *Behaviour Research and Therapy*, 44, 1-25.
- Katz, A. M. & S. J. Czech & S. Orsillo. (2019). Putting Values into Words: An Examination of the Text Characteristics of Values Articulation"; *Journal of Contextual Behavioral Science*, 3 (1), 16-20.
- Malkoc, A. (2018). Big five personality traits and coping style predict subjective wellbeing. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 12, pp, 577-581.
- Marshall EJ, Brockman RN. (2016). The relationships between psychological flexibility, self -compassion, and emotional well -being. *Journal of Cognitive Psychotherapy*. 30(1):60 -72.
- Negrusa S, Negrusa B, Hosek J. (2013). Gone to war: have deployments increased divorces? *J Populat Econom*, 27(2):473-96.
- Phillips, EL. (2018). *Resilience, mental flexibility and cortisol response to the Montreal Imaging Stress Task in unemployed men* (Dissertation). Michigan: The University of Michigan.
- Shapiro, A., & Keyes, C. L. M. (2008). Marital status and social well-being: Are the married always better off?. *Social Indicators Research*, 88(2), 329- 346.
- Woodruff SC, Glass CR, Aarnkoff DB, Crowley KJ, Hindman RK, Hirschhorn EW. (2020). Comparing self - compassion, mindfulness, and psychological inflexibility as predictors of psychological health. *Mindfulness*, 5(4):410 -21.

Structural model of psychological flexibility based on personality traits with the mediation of social well-being in divorced women

Abstract^{ID 1A}

Introduction: The aim of this study was to develop a structural model of psychological flexibility based on personality traits mediated by social well-being in divorced women.

Method: This is a descriptive correlational study and was conducted in the form of structural equation modeling. The statistical population of this study includes divorced women in Tehran in 1402-1403. Therefore, the research sample was estimated to be 350 ($n=350$). Considering the possibility of attrition and the nature of the research (model presentation), 20% was added to this sample and the sample increased to 420 people. The sampling method is purposive, in that the sample was selected by referring to multiple marriage and divorce centers in Tehran. To collect data, standard questionnaires of cognitive flexibility by Denay and Van der Val (2010); social well-being by Keys (1998); and short-form personality traits (NEO-FFI) were used. For data analysis at the descriptive level, mean and standard deviation were used, and at the inferential level, Pearson correlation coefficient and structural equation modeling were used with SPSS and Smart PLS software.

Findings: The results of the correlation matrix showed that there is a significant relationship between psychological flexibility and personality traits and social well-being in divorced women. The results of multivariate regression also showed that psychological flexibility can be predicted based on personality traits and social well-being. Based on the results, neuroticism had a direct effect of -0.160 and an indirect effect of 0.070; extraversion had a direct effect of 0.146 and an indirect effect of 0.061; openness had a direct effect of 0.280 and an indirect effect of 0.061; Agreeableness has a direct effect of 0.127 and an indirect effect of 0.032; Conscientiousness has a direct effect of 0.301 and an indirect effect of 0.068; and finally, social well-being has a direct effect of 0.310 with psychological flexibility. Therefore, the structural fit of the model is moderate.

Conclusion: Personality traits and social well-being can predict psychological flexibility.

Keywords: Psychological flexibility, personality traits, social well-being and divorced women